

مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم از منظر فناوری اطلاعات و

ارتباطات

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۴

سکینه خانعلی پور واجارگاه^۱

حسین آقابابایی^۲

چکیده

پس از شکست سیاست اصلاح و درمان بزهکاران، دیدگاه تازه‌ای متولد شد که با نگاه مدیریتی خود، تمامی عرصه‌های سیاست جنایی را تحت‌الشعاع قرار داد. این سیاست جنایی، در نقطه مقابل سیاست جنایی پیشین، درصدد کاهش و کنترل خطر بزهکاری است. پیشگیری وضعی از بزه نیز در این رویکرد، به عنوان عمده‌ترین ابزار جرم‌شناختی، حضور خود را به اثبات رسانده است. این نوع پیشگیری، از پیشرفت روزافزون فناوری‌ها، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، تأثیر گرفته است و در واقع با به‌کارگیری این فناوری، به شیوه‌ای نوین و البته در جهت سیاست جنایی خطر مدار درصدد کاهش و کنترل بزهکاری برآمده است. این مطالعه به روش اسنادی و با اشاره به برخی تجارب موجود، به بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت خطر جرم پرداخته است. پرسش اساسی این پژوهش آن است که ICT چه نقشی در مدیریت خطر جرم دارد و به صورت خاص، پیشگیری وضعی چگونه به وسیله ICT می‌تواند به مدیریت خطر جرم کمک کند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که فناوری اطلاعات و ارتباطات از طریق شناسایی موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری، مصون‌سازی آماج‌های جرم و مناطق پرخطر، تقویت نظارت و رؤیت‌پذیری و بالا بردن هزینه ارتکاب جرم به واسطه افزایش احتمال شناسایی و دستگیری مرتکب، به پیشگیری وضعی کمک و خطر ارتکاب جرم را مدیریت می‌کند.

کلیدواژه‌ها

سیاست جنایی خطرمدار/ پیشگیری از جرم/ پیشگیری وضعی از جرم/ فناوری اطلاعات و ارتباطات/
مدیریت خطر جرم.

E mail: khanalipoor 13 @ gmail.com

E mail: aghababaei @ guilan.ac.ir

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

مقدمه

نیاز به امنیت در همه زمینه‌ها نیازی زیربنایی و دیرپاست. فلسفه وجودی دولت‌های مدرن هم ایجاد و تضمین امنیت ذکر شده است (هایز، ۱۳۸۱: ۱۹۳). تدوین سیاست جنایی به مفهوم مجموعه روش‌هایی که هیئت اجتماع با توسل به آن‌ها، مواجه با پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد (مارتی، ۱۳۸۱: ۲۴)، در راستای پاسخگویی به همین نیاز صورت گرفته است. حقوق کیفری که با حربه مجازات در پی سالم‌سازی اجتماع و فراهم آوردن بستری امن برای انسان است، عمری به درازای عمر بشر دارد. جرم‌شناسی نیز به عنوان دانشی میان رشته‌ای، با علت‌شناسی پدیده مجرمانه، دست‌کم از دو جنبه پیشگیری از تکرار جرم (از گذر بازپروری بزهکاران در چارچوب عدالت کیفری) و پیشگیری از جرم (مبارزه با علل اجتماعی، شخصی و علل وضعی و فنی بزهکاری) (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸: ۷۱۷) در دو قرن اخیر در مقام سامان‌بخشی اجتماعی بوده است.

در عین حال، با توجه به افزایش جرایم و میزان بزه‌دیدگی واقعی، احساس ناامنی نسبت به وقوع جرم در جامعه در حال افزایش است. این امر که بحران مشروعیت و کارآمدی آرمان‌های بازپروری و اصلاح و درمان را پیش روی متولیان سیاست جنایی نهاده است (همان: ۷۲۲)، دولت‌ها را به جستجوی ساز و کارهای تازه تری برای پاسخ‌گویی به نیاز طبیعی امنیت و مصونیت از مخاطرات ارتکاب جرم یا احتمال بزه‌دیدگی رهنمون شده است.

از همین رو، در سال‌های اخیر نگرش‌های تازه‌ای را در حوزه علوم جنایی شاهد هستیم که ماهیت آنها کاملاً مدیریتی است؛ دیدگاه‌های تازه‌ای که به جای

مدیریت جرم شناختی خطر جرم از منظر فناوری اطلاعات و ارتباطات ۲۲۳

بحث از تجزیه و تحلیل جرم و علل شکل‌گیری آن، با رویکردی مدیریتی، خطر^۱ ارتکاب جرم را همانند سایر خطرهای حوزه‌های اقتصادی، بیمه و ... مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و آن‌گاه مدیریت می‌کند (مک لائولین و مانسی^۲، ۲۰۰۱: ۲۵۱).

پیشگیری نیز از شاخص‌های مهم در تنظیم و مدیریت خطرهای بزهکاری در بیست سال گذشته قرار می‌گیرد، زیرا پیشگیری در سیاست‌های عمومی، کیفی و اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. همچنین پیشگیری معنای نوینی یافته است، زیرا به جای تمرکز بر دلایل بزهکاری، بیشتر به تعیین گروه‌ها و وضعیت‌های خطرناک برای تقویت کنترل آنها توجه دارد. (ماری، ۱۳۸۳: ۳۴۰-۳۴۱). به عبارت دیگر، پیشگیری از جرم، بخشی جدایی‌ناپذیر از کنترل مؤثر جرم است (بریدمن^۳، ۱۹۹۶: ۳۶).

بر مبنای این نگرش، رویه‌های تقنینی، عملی و پلیسی بیش از پیش به سمت شیوه جدیدی از پیشگیری مشهور به «پیشگیری وضعی-فنی» معطوف شده است، زیرا هدف اقدام‌های پیشگیرانه وضعی، قبل از هر چیز، تأمین امنیت، بالا بردن کیفیت و جلب رضایت اعضای جامعه در فضاها و مکان‌های عمومی است (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۱۲).

پیشگیری وضعی در مفهوم ساده در این ضرب‌المثل ایرانی که می‌گوید «مالت را محکم نگهدار و همسایه را دزد نکن» تبلور یافته است که به گونه‌ای پیشگیری از خطر سرقت را از طریق اقدامات پیشگیرانه فردی یادآور می‌شود.

۱- خطر در این جا به آینده اشاره می‌کند، بنابراین شامل یک عنصر پیش‌بینی می‌شود. پاسخ به شناخت خطرات جرم شامل تلاش‌هایی برای خنثی کردن چنین خطراتی است (آلبکت و کیلچینگ، ۲۰۰۲: ۲۳).

2-Mclaughlin and Mancia

3-Bridgeman

مفهوم "حرز" در آموزه‌های اسلامی به نگهداری مال در محلی مصون از دستبرد اشاره دارد و عرف و عادت باستانی گودال کردن زر و اشیای گرانبها، حکایت از نوعی پیشگیری وضعی داشته‌اند. اما بشر در دوران حیات خود، همواره کوشیده تا با ابداع ابزارهای کارآتر، با سرعت و سهولت بیشتری مسیر رشد و پیشرفت خود را طی کند. در این راه، ابزارهای مختلف بر زندگی وی تأثیرات متفاوتی داشته‌اند. بسیاری از این ابزارها فقط یک حوزه یا موضوع خاصی را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند، اما برخی از آن‌ها با برخورداری از آثار بنیادین، توانسته‌اند دوران جدیدی را رقم بزنند. بی‌گمان، امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) دارای چنین ویژگی مهمی است. در حال حاضر، این فناوری به یک موضوع مهم سیاست‌گذاری برای دولت، تجارت، صنایع، آموزش و بسیاری از بخش‌های دیگر تبدیل شده است (داتن، ۱۳۸۴: ۶۶). بی‌شک سیاست جنایی که با استفاده از کلیه ابزارهای هیئت اجتماع در مقام مواجهه با پدیده مجرمانه است از این فناوری بی‌نیاز نیست. پیشگیری نیز به عنوان یکی از ابعاد این سیاست، از این فناوری تأثیر گرفته است.

بر این اساس برآنیم نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات را در پیشگیری وضعی، به عنوان پیشگیری مطلوب سیاست جنایی بررسی کنیم.

چارچوب نظری

فیلی و سیمون^۱ معتقدند که در ایالات متحده آمریکا از سی سال پیش تا کنون کیفرشناسی فردمدار (مجازات یا درمان) جای خود را به رهیافتی از کیفرشناسی

داده که تلاش دارد گروه‌های در معرض خطر بزهکاری را مراقبت و مدیریت کند. هدف این کیفرشناسی نوین، تنظیم میزان بزهکاری (به عنوان خطری بهنجار) در اجتماع است. در واقع، هدف کیفر، دیگر حذف خطر ارتکاب بزهکاری نیست، بلکه می‌خواهد بزهکاری را قابل تحمل و آن را در محدوده امنیتی قابل قبولی برای جامعه تثبیت کند. این گفتمان در دورنمایی مدیریتی، رویکردی سنجشی را در مورد جمعیت‌ها و گروه‌های بزهکار یا در معرض ارتکاب بزهکاری اعمال می‌کند (ماری، ۱۳۸۳: ۳۳۵).

در رویکرد مدیریت خطر^۱، کانون توجه از جرم به خطر جرم تغییر می‌یابد؛ خطری که به عنوان یک واقعیت اجتماعی بهنجار (نرمال) باید آن را پذیرفت. تفاوت این رویکرد با نظریه بهنجار بودن جرم دورکیم در این است که به جای جرم، خطر جرم را یک واقعیت بهنجار اجتماعی می‌داند که می‌توان آن را کاهش داد، ولی نمی‌توان آن را از میان برد (قاسمی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

این سیاست کنترل جرم که با عنوان‌های سیاست جنایی خطر مدار، عدالت سنجشی، تخمینی، آماری، کیفرشناسی جدید یا جرم‌شناسی جدید مشهور شده است، ساز و کارهای حقوق کیفری و جرم‌شناسی را به منزله وسایل و ابزار مدیریت خطر جرم یا تکرار جرم به کار می‌گیرد و آنها را از کارکردهای اخلاقی، بازدارندگی، بالینی و پیشگیری علت‌شناسی خود، دور می‌کند.^۲ برای نمونه، در خصوص عدالت سنجشی^۳ گفته شده است که راهبرد آن، شناسایی و مدیریت گروه‌های سرکش مجرم است و هدف آن «محو» جرم نیست، بلکه، «قابل تحمل

1-risk management

۲- برای آشنایی بیشتر با مفهوم خطر در کیفرشناسی و جرم‌شناسی جدید مراجعه کنید به: کمشال (۲۰۰۳: ۲۶).

3-actuarial justice

ساختن» آن از طریق نظام‌بخشی است (مک لائولین و مانسی، ۲۰۰۱: ۶؛ ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۶)

در این سیاست جنایی، پیشگیری نیز یکی از وسایل و امکانات برای کنترل جرم یا خطر جرم است و مجموعه وسایل و ابزارهایی است که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از دو طریق مورد استفاده قرار می‌دهد: ۱. حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا؛ ۲. اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی، فیزیکی و محیط اجتماعی که به نوبه خود فرصت‌های مناسبی را برای ارتکاب جرم ایجاد می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۷۵۰). در پیشگیری از جرم در رویکرد جدید، شناسایی عوامل بزهکاری به منظور تعریف تدابیر پیش‌گیرنده اجتماعی - فردی موضوعیت ندارد، بلکه با هدف شناسایی سیمای جنایی و ویژگی‌های گروه‌های خطر‌دار (عامل‌های اجتماعی به مثابه عامل‌های خطر بزهکاری) و وضعیت‌های خطر‌دار (عامل‌های وضعی - فنی) برای نظارت بهتر بر آنان به منظور توان‌گیری در زمان و مکان صورت می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۷۴۵).

در این باره به ویژه بحث پیشگیری وضعی^۱ یا پیشگیری فنی^۲ شامل تدابیر شهری، نظارت‌های ویدیویی، زنگ‌های خطر، هشداردهنده‌ها و ... مطرح می‌شود. پیشگیری وضعی، ابزار عدالت سنجشی یا محاسبه‌گر به شمار می‌آید. این ابزار، فرد را فرصت طلب معرفی می‌کند. هدف این نوع پیشگیری، تغییر شیوه دفاعی وضعیت‌های مشکل‌زا به منظور کاهش تناوب ظهور یا شدت آن است. به دیگر سخن، این نوع پیشگیری درصدد کاهش ارتکاب جرم یا افزایش خطر دستگیری مرتکب جرم است (ماری، ۱۳۸۳: ۳۳۵).

1-Situational Prevention

2-technical prevention

در این نوع پیشگیری، پیش‌بینی نقش محوری دارد. موقعیت پرخطر باید شناسایی شود. این موقعیت ممکن است ناشی از یک آماج یا بزه‌دیده حمایت نشده، مکان حمایت نشده و ... باشد. به علاوه، به دنبال تعالی جامعه و نهادهای آن نیست، بلکه به شکل ساده، به دنبال روش‌هایی برای کنترل جرم است (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۲۴۱). امروزه این پیشگیری در قالب سیاست جنایی خطرمدار و به عنوان مهم‌ترین ابزار آن در این عرصه به کار گرفته می‌شود. به تعبیر دیگر، پیشگیری وضعی ابزار مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم و روش‌های آن در راستای تقویت آماج جرم، ارتقای سطح نظارت اجتماعی، رسمی و ... است (همان: ۱۸)

پرسش اصلی

با توجه به مطالب پیش گفته، پرسش اساسی این پژوهش آن است که فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) چه نقشی در مدیریت خطر جرم دارند و به صورت خاص، پیشگیری وضعی چگونه به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند به مدیریت خطر جرم بپردازد؟

روش تحقیق

برای پاسخگویی به این پرسش، این تحقیق به روش اسنادی، دیدگاه‌های صاحب‌نظران و برخی تجربیات عملی در کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت مدیریت خطر جرم را بررسی کرده است. به این منظور، ابتدا به رابطه بین پیشگیری وضعی و مدیریت خطر جرم اشاره شده (گفتار نخست) و سپس نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در پیشگیری وضعی، بر مبنای مدیریت خطر جرم

(شناسایی، مصون‌سازی و کنترل موقعیت‌های دارای خطر جرم) بررسی شده است (گفتار دوم).

گفتار نخست: پیشگیری وضعی و مدیریت ریسک جرم

در رویکرد مدیریت ریسک جرم، مجرمان پرخطری را که نمی‌توان با نظارت و کنترل در جامعه از ارتکاب جرم بازداشت؛ با ابزار کیفی، ناتوان می‌سازند و سایر مرتکبان نیز در بستر جامعه و از طریق ابزار غیرکیفی، مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرند یا از ارتکاب بزه بازداشته می‌شوند (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۲۷).

در این دیدگاه، علاوه بر ساز و کارهای کیفی، به ابزارهای جرم‌شناختی نیز توجه شده است. به طور کلی، این نگرش، دو نوع مدیریت ریسک را در خود جای می‌دهد: مدیریت کیفی ریسک جرم، که ابزار عمده آن حبس است و مدیریت جرم‌شناختی ریسک جرم، که بر محور پیشگیری قرار می‌گیرد. اما پیشگیری در این سیاست بر مبنای ریسک‌سنجی و ریسک‌مداری‌اش بیش از هر چیز به دنبال آن است تا از ایجاد موقعیت‌های پرخطر که می‌توانند حادثه‌ساز و در واقع جرم‌ساز شوند، جلوگیری کند. به همین دلیل، مناسب‌ترین نوع پیشگیری که این سیاست برگزید، پیشگیری وضعی، وضعیت‌مدار یا موقعیت‌مدار از جرم بود، زیرا بر موقعیت، فرصت و وضعیت تکیه دارد. این پیشگیری، درصدد است تا از طریق حذف موقعیت‌های دارای خطر جرم، از بزه جلوگیری کند، زیرا در مدیریت جرم‌شناختی ریسک جرم که از ابزارهای پیشگیری وضعی استفاده می‌کند، اصطلاح ریسک در خصوص یک موقعیت مهبی‌ای ارتکاب جرم به کار

می‌رود و تلاش می‌شود موقعیت‌های پر خطر، یعنی اوضاع و احوالی که بیشترین فرصت ارتکاب جرم را فراهم می‌کنند، شناسایی و مدیریت شوند (همان: ۳۲).

پیشگیری در این مفهوم به معنای «انجام اقدامات با اتخاذ تدابیر مبتنی بر پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی علمی خطر یا امکان وقوع جرم (بزه‌دیدگی) با مشارکت دولت و هیئت اجتماع برای جلوگیری از وقوع یا کاهش یا به تعویق انداختن یا حتی تعدیل آثار، تغییر آماج، زمان، مکان یا شیوه ارتکاب آن است (صفاری، ۱۳۸۸: ۶).

اقدامات پیشگیری وضعی با محو یا مسدود کردن فرصت‌های مجرمانه، به سطح بزه را کاهش می‌دهد و در واقع، با توسعه اقدامات کاهش دهنده فرصت، مدیریت و دستکاری در محیط بی‌واسطه، خطر ارتکاب جرم را بالا می‌برند و از سود آن می‌کاهند (رستمی تبریزی و مدنی‌پور، ۲۰۰۶: ۹۳۳).

پیشگیری وضعی از این طریق می‌تواند بر انواع جرایم، میزان و شدت آنها تأثیر بگذارد. به کمک این پیشگیری می‌توان سرقت، جرایم تروریستی و ... را کاهش داد (صفاری، ۱۳۸۱: ۲۱۳). همچنین، رشد و توسعه کنترل و نظارت که از روش‌های پیشگیری وضعی است، می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرایمی چون تخلفات مالیاتی، ارتشا، اختلاس، رانت‌خواری و ... داشته باشد. البته روش‌هایی چون کاهش تحریکات یا سلب توجهات از مرتکب را می‌توان به راحتی در محیط‌های خانوادگی و برای پیشگیری از جرایمی چون کودک‌آزاری، خشونت خانوادگی و ... به کار برد (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۲۶۸). این پیشگیری از

طریق به‌کارگیری روش‌های خود می‌تواند بر انواع جرایم مؤثر باشد و از وقوع آنها جلوگیری کند یا میزان ارتکاب آنها را کاهش دهد.^۱

البته فرایند طراحی و اجرای یک پروژه پیشگیری وضعی موفق و اثربخش، منوط به رعایت اصولی مشخص و سیر فرایند خاصی است. در این فرایند، اهداف باید از ابتدا روشن باشد، بر نوع خاصی از جرم تمرکز شود و به چگونگی اجرای جرم و نه چرایی آن توجه به عمل آید؛ طیف مختلفی از مداخلات مورد توجه قرار گیرد و در نهایت، اثربخشی اقدامات صورت گرفته ارزیابی شود (قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۶۶).

به زبان ساده، رویکرد مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم و پیشگیری وضعی، به عنوان مهم‌ترین نوع پیشگیری مطرح شده در آن، مبتنی بر کنترل بزه است تا از رشد و گسترش آن پیشگیری کند.

گفتار دوم: نقش ICT در پیشگیری وضعی بر مبنای مدیریت ریسک جرم

امروزه، عموم روش‌های پیشگیری وضعی مبتنی بر فناوری است. بنابراین، ضروری است همگام با پیشرفت‌های فنی، این روش‌ها نیز به روز شوند (پاک-نهاد، ۱۳۸۸: ۲۶۸). این پیشگیری در زمان حاضر تحت تأثیر ابزارهای مختلفی قرار گرفته است. متخصصان این پیشگیری دریافته‌اند که به منظور ارائه یک راهکار مؤثر و یک شیوه تکامل یافته از این نوع پیشگیری، نیازمند بازبینی در آن هستند.

۱- این روش‌ها عبارت‌اند از: ۱- افزایش میزان تلاش برای ارتکاب جرم، ۲- افزایش خطرات ارتکاب جرم، ۳- کاهش منافع یا دستاوردهای جرم، ۴- کاهش تحریکات و ۵- سلب توجهات از مرتکب. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

Clark, R. V.; Seven Misconceptions of Situational Crime Prevention, in N. Tilley (Ed.); Handbook of Crime Prevention and Community Safety; Devon; Willan Publishing; 2005, p.46.

به نقل از: پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۲۵۳.

از جمله مسائلی که بر نوع حضور آن تأثیرگذار است و به نوعی بر قدرت کارایی ابزارهایش می‌افزاید، حضور در دنیای ارتباطات و افزایش روزافزون و پیشرفت قابل توجه فناوری اطلاعات و ارتباطات در تمامی عرصه‌های زندگی بشر است. این فناوری می‌تواند تسهیل‌کننده و توسعه‌دهندهٔ مراحل و روش‌های پیشگیری وضعی باشد. در واقع، پیشرفت در این حوزه موجب شده است تا ابزارهای مختلف پیشگیری وضعی با کیفیتی بالاتر به کار گرفته شوند.

نگاهی به سیستم‌های امنیتی و پلیسی بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه کشورهای پیشرفته از جمله کشورهای اروپایی و کانادا نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها سال‌های طولانی است که با نصب انواع دوربین‌های مجهز، تحولی را در زمینهٔ مقابله با مجرمان و ارتقای امنیت عمومی دنبال کرده و با ارتقای سیستم‌های خود، به طور مداوم در حال به‌روزرسانی این تجهیزات هستند. استفاده از انواع تجهیزات برای ردیابی متخلفان و اجرای قانون، در بسیاری از کشورهای جهان به عنوان یک اصل و رویه پذیرفته شده است.^۱ گارلند معتقد است که اهمیت کنونی مدیریت‌گرایی می‌تواند از رهگذر پویایی و توسعهٔ سازمانی عدالت کیفری و امکانات جدید کنترل که فناوری‌های اطلاعاتی و رایانه‌ای فراهم کرده‌اند بهتر درک و تبیین شود (ماری، ۱۳۸۳: ۳۵۳).

امروزه در کنار کنشگران انسانی (یعنی مأموران پلیس، نگهبانان، سرایداران و فروشندگان فروشگاه‌های زنجیره‌ای) فناوری نوین هم در قالب سیستم‌های هشداردهندهٔ خطر، سیستم‌های نظارت و مراقبت تلویزیونی، دوربین‌های نظارتی و سیستم‌های کنترل ورودی‌ها با کارت‌های مغناطیسی به کمک این نوع

۱- برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: www.aminejameeh.ir/article/87/8/223.php & www.creditreport.com/faq.asp

پیشگیری آمده و به آن جنبه فنی بخشیده است (کوسن، ۱۳۸۴: ۳۲۳). از این فناوری می‌توان برای شناسایی گروه‌های خطر دار، دسته‌بندی خطر، وضعیت‌ها و محیط‌های خطرزا به منظور کاهش فراوانی خطر ارتکاب جرم و افزایش فراوانی خطر شناسایی، خنثی‌سازی، دستگیری و دور کردن مجرمان بالقوه و بالفعل از جامعه استفاده کرد.

در واقع، پیشگیری وضعی به کمک ICT از طریق شناسایی، مصون‌سازی و کنترل موقعیت‌های دارای خطر جرم به مدیریت خطر جرم می‌پردازد.

۱- ICT و شناسایی مناطق دارای خطر جرم

قبل از شروع هر اقدامی، ابتدا باید جرم و عوامل تأثیرگذار بر آن شناسایی شود. در پیشگیری وضعی به عنوان بخشی از رویکرد مدیریت ریسک جرم، «شناسایی موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری» و «آماج‌های بالقوه جرم»، اولین مرحله و نقطه آغاز اقدامات وضعی است. تا زمانی که ندانیم کدام مناطق بیشتر در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند، در عمل نمی‌توان برنامه مؤثری را برای پیشگیری از جرم طراحی کرد. در این زمینه، تنها کافی نیست که بدانیم در کدام مناطق خطر جرم وجود دارد، بلکه باید از چگونگی ارتکاب جرم نیز مطلع شویم، زیرا پیشگیری مؤثر از جرم، ولو به صورت جزئی یا خاص، جز با درک صحیح و علمی از مفهوم «فرآیند وقوع جرم» شامل شناخت جرم، شگردهای ارتکاب آن، شرایط مرتکب و محیط اطراف وی، امکان‌پذیر نخواهد بود (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۷۱)، به ویژه در پیشگیری وضعی که درصدد است تا گذار اندیشه مجرمانه به عمل را قطع کند؛ در این راه باید از پژوهش‌های میدانی و توصیفی و تحلیل

محتوای آمارهای گردآوری شده برای تعیین این نقاط و تبیین چگونگی ارتکاب جرم در آنها بهره برد تا بتوان یک نیمرخ جنایی درست ترسیم کرد.

در واقع، پیشگیری از جرم، مستلزم ارائه اطلاعات دقیق جمع‌آوری شده در مراحل مختلف فرایند آسیب‌شناسی، تهیه و اجرای طرح پیشگیری از جرم، نظارت و ارزیابی است. از آنجا که عمده فعالیت‌های جنایی، مخفیانه و پنهان و در مکان‌های خارج از دید است، این فعالیت‌ها باید شناسایی و محل‌یابی شوند. کنش‌گران امنیت نمی‌توانند بدون شناخت مشکل به رفع آن اقدام کنند. بنابراین، آمار و اطلاعات، شرایط را برای پیشگیری، سرکوبی، برنامه‌ریزی و تدوین راهبردهای مناسب فراهم می‌کند. این اطلاعات عبارت‌اند از: اطلاعات مربوط به بزهکاران (محل اقامت آنان، شرکا و همدستان حرفه‌ای آنان)، باندها و شبکه‌های جنایی (ساختار و نوع فعالیت آنان، اعضا، سلسله‌مراتب و ...)، ویژگی‌های جرایم و تحولات و توزیع آن در زمان و مکان (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۴). فناوری اطلاعات و ارتباطات با نرم‌افزارهای خود به این امر مهم کمک بسیار کرده است.

برای تنظیم برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، اطلاع از نوع و تعداد جرایم ارتكابی و همین‌طور منطقه جغرافیایی معینی که جرم در آنجا رخ می‌دهد، از اصول بنیادین برنامه‌ریزی به شمار می‌آید. تمرکز برنامه‌های پیشگیری از جرم در منطقه‌ای مشخص و جرایم معین و نیز مجرمان یا اشخاص خطرناک، مستلزم اطلاع از سیمای جنایی مناطق مختلف است. اجرای بهترین برنامه‌ها، مستلزم اطلاعات بهتر و دقیق‌تر و بیشتر درباره سیمای جنایی منطقه است (رحمدل، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

برای مثال، عوامل زیادی در ارتکاب و بروز جرم سرقت نقش دارند که تفاوت در ویژگی‌های رفتاری و ساختار مکانی - در کنار عامل زمان - باعث می‌شود تا توزیع زمانی و مکانی جرایم در سطح شهرها یکسان نباشد (جعفریان و شایسته زرين، ۱۳۸۸: ۹۴). به همین منظور، برای تحقق گشت‌زنی مؤثر، تنها مهم نیست بدانند کجا یک جرم احتمالاً اتفاق می‌افتد بلکه زمان وقوع آن نیز مهم است؛ همان طور که براساس پژوهش‌های بسیار درباره بزه دیدگی مکرر، مشخص شده است که چگونه و پس از گذشت چه مدتی پس از وقوع یک جرم، جرم مشابه در زمان و مکانی مشخص احتمالاً اتفاق می‌افتد (جانسون و همکاران^۱، ۲۰۰۷: ۲۰۶). «پروژه‌ی کرکهولت»^۲ به این نتیجه رسید که بزه‌دیدگی اولیه، توانایی پیش‌بینی بزه‌دیدگی‌های بعدی را فراهم می‌آورد (پیز^۳، ۱۹۹۹: ۷۶). پس می‌توان گفت محل‌ها و آماج‌هایی که یک بار مورد بزه واقع شده‌اند، جزء مناطق پرخطرند و باید با به کارگیری تدابیری به کنترل این خطر پرداخت.

در میامی، مک فترز و استرانگ^۴ در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که میزان جرایم جرایم علیه اموال در فصل‌هایی پرتوریست گردش‌گری رونق می‌یابد. جود^۵ نیز به منطقه‌ای مشابه در مکزیکو اشاره کرد. در نواحی با افزایش نرخ جرم، محصولی فرعی به نام توسعه گردش‌گری وجود دارد، مانند هاوایی. همچنین از مقایسه سه پاتوق ساحلی در استرالیا به این نتیجه دست یافتند که مکان‌های ارائه دهنده یک مدل زندگی لذت‌جویانه^۶ دارای میزان بالای جرم‌اند، جرایمی از قبیل

1-Janson et al.

2-Kirkholt Project

3-Pease

4-Mcpheters & Stronge

5-Jud.

6-Hedonistic

استفاده از مواد مخدر، سرقت و خرید و فروش کالاهای مسروقه، علاوه بر آن، در این محل‌ها تعداد زیادی باشگاه‌های شبانه وجود داشته‌اند که با میزان قابل توجهی از جرایم مرتبط با مصرف الکل از قبیل زد و خورد، تجاوز و رفتار خشونت‌آمیز روبه‌رو بودند (برانت، ماوی و همبلی^۱، ۲۰۰۰: ۴۱۷)

البته باید توجه داشت به منظور اعمال مدیریت و اتخاذ اقدام مناسب، تنها کافی نیست بدانیم کدام مناطق دارای خطرند، بلکه در این مرحله نیازمند آن هستیم تا میزان خطر این مناطق را نیز تعیین کنیم. از این حیث، مناطق به پرخطر، معمولی و کم‌خطر تقسیم می‌شوند. به این منظور، باید به گونه‌ای روشمند این اطلاعات جمع‌آوری شوند:

- ۱- جرایم ارتكابی در سایت (محل) مورد نظر؛
- ۲- مرتکبان آنها؛
- ۳- بزه‌دیدگان آنها؛
- ۴- علل آنها؛
- ۵- وضعیت‌های پیش‌جنایی و ماقبل بزهکاری؛
- ۶- تجهیزات امنیتی کنترل که از قبل در محل موجود است؛
- ۷- آسیب‌پذیری‌های اشخاص، اموال و اشیا (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۰۵۴).

این اطلاعات می‌توانند در تعیین مناطق دارای خطر بزهکاری یا در مقابل آن بزه‌دیدگی، به کار گرفته شوند. در واقع، تحلیل‌های آماری به کمک نرم‌افزارهای پیشرفته می‌توانند نسبت و درصد وقوع جرایم را به صورت جدول‌ها و

نمودارهایی در کمترین زمان ممکن و با بیشترین میزان دقت، در اختیار کارشناسان برای تنظیم و به‌کارگیری ابزارهای مختلف پیشگیری وضعی قرار دهند. در نهایت، می‌توان از این اطلاعات در ترسیم نقشه‌های بزهکاری استفاده کرد، زیرا مدیریت خطر جرم، شامل تدابیری درمورد موقعیت‌های جرم‌زا می‌شود. یکی از موقعیت‌های جرم‌زا، محله‌های جرم‌خیزی هستند که بر اساس جرم‌شناسی محیطی، جرایم بیشتری در آنجا واقع می‌شوند. امروزه نیروی پلیس از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) ^۱ برای طراحی نقشه جرم (Mapping Crime) بهره می‌گیرد و از این طریق، تدابیر نظارتی شدیدتری را در محله‌های جرم‌خیز (که ریسک بروز جرم بالایی دارند) اتخاذ می‌کند (قاسمی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰۰). به همین دلیل، شناخت رابطه میان نوع و میزان جرم و ویژگی‌های زمانی، مکانی و محیطی وقوع آن و نیز استفاده از فناوری، می‌تواند گام مهمی برنامه‌ریزی برای کاهش و کنترل جرایم به شمار آید (جعفریان و شایسته زرین، ۱۳۸۸: ۹۴).

با تأکید بر تحلیل این اطلاعات است که راهبرد استراتژی پیشگیری، منطبق با موضوع ممکن است طرح‌ریزی شود و به اجرا درآید و کارایی و بازخورد آن ارزیابی شود. امروزه آمار جنایی تنها با به‌کارگیری رایانه قابل استفاده است، زیرا با توجه به ایجاد نرم‌افزارهای آماری در رایانه‌ها، استخراج و به‌کارگیری آن از طریق استفاده از ابزارهای مجهز به فناوری اطلاعات و ارتباطات ممکن خواهد شد. این فناوری‌ها می‌توانند در شناسایی موقعیت‌های جرم‌زا و دارای خطر بزهکاری به کار گرفته شوند.

1-Geographic Information System.

به هر روی، ICT از دو طریق در شناسایی موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری به کار گرفته می‌شود:

۱. جمع‌آوری و پردازش اطلاعات از طریق نرم‌افزارهای آماری و تصاویر ماهواره‌ای؛
۲. ترسیم نقشه‌های بزهکاری و تعیین نقاط جرم‌خیز و دارای خطر بزهکاری بر روی آنها.

۲. ICT و مصون‌سازی آماج‌های بالقوه جرم

در پیشگیری وضعی، پس از شناسایی وضعیت‌های جرم‌زا و آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی و میزان خطر آنها، برآنیم تا با انجام اقداماتی این وضعیت بالقوه به حالت بالفعل تبدیل نشود. یکی از این اقدامات، مصون‌سازی این آماج است. در واقع در پیشگیری وضعی، با مصون‌سازی آماج و ایمن کردن فضاهای آسیب‌پذیر، بزهکاران را از ارتکاب جرم منصرف می‌کنیم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۷۵)، زیرا با ایمن‌سازی و مصون کردن آماج جرم، فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، متوقف یا دست کم کند می‌شود (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۴). هدف در پیشگیری وضعی، حمایت و حفاظت از آماج جرم است که از طریق ایجاد موانع میان بزهکار و بزه‌دیده، باعث کاهش انگیزه ارتکاب جرم می‌شود. این موانع هم موانع انسانی را نیز، نظیر عوامل امنیتی و گشت پلیس و هم موانع مادی را، مانند نصب قفل و حفاظ، دوربین، چشم الکترونیکی، دزدگیر و تقویت روشنایی کوچه‌ها و ... شامل می‌شود. به عبارت دیگر، با بستن راه‌های دستیابی مرتکب به موضوع جرم یا بزه دیده و افزایش زحمت و خطر برای مرتکب، از جرم پیشگیری می‌کنیم (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۸).

در پیشگیری وضعی، از طریق تقویت آماج یا ایجاد فضاهای قابل دفاع، از جرم پیشگیری می‌کنیم، زیرا در این شیوه اوضاع و احوال و موقعیت و فضایی است که ارتکاب جرم بر هم می‌خورد. این نوع پیشگیری، معادلۀ جرم را به نفع بزه‌دیده و به ضرر بزه‌کار تغییر می‌دهد و موقعیت ارتکاب جرم را از مرتکب می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۲۶۴۹-۲۶۵۰).

دشواری دستیابی به هدف^۱ است که از طریق انجام اقداماتی، موجب تلاش بیشتر مرتکب می‌شود. این مسئله شامل ساز و کارهایی تغییر می‌دهد ورود یا دسترسی را از طریق قفل‌های در و پنجره، دوربین‌های مدار بسته^۲ و کنترل می‌کند (کوزنز^۳، ۲۰۰۲: ۱۳۳) این اقدام ممکن است از سویی موجب عدم ارتکاب جرم شود و از سویی دیگر فرایند ارتکاب جرم را طولانی کند که در هر صورت، می‌تواند نقش عمده‌ای در کاهش احتمال وقوع جرم داشته باشد (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۲۶۳). تیموتی کرو^۴ کنترل دسترسی یا کاهش دسترسی به اهداف بالقوه جرم را به سیاهه راهبردهای مهم پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۵ اضافه می‌کند (پارنابی^۶، ۲۰۰۶: ۴).

از جمله ابزارهایی که ICT در اختیار پیشگیری وضعی قرار می‌دهد، استفاده از قفل‌های رمزدار و قفل‌های الکترونیکی است. کاربرد این قفل‌ها آن است که سرقت را دشوار می‌سازد نصب قفل‌های رمزدار در اتومبیل‌ها سرقت آنها را به میزان زیادی کاهش می‌دهد. میزان سرقت اتومبیل‌های مجهز به قفل‌های ایمنی و

1-Target hardening

2-Closed Circuit Television (CCTV)

3-Cozens

4-Timothy Crow

5-Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)

برای مطالعه بیشتر در این خصوص بنگرید به: جیسون ویلسون، ۱۳۸۷: ۳ به بعد.

6-Parnaby

کامپیوتری تا حد زیادی کاهش می یابد. رمزدار کردن کارت‌های بنزین و کارت‌های اعتباری نیز موجب کاهش رغبت سارقان برای سرقت این کارت‌ها می شود (نوروزی، ۱۳۸۷: ۲۰). وسایل حفاظتی مانند دزدگیر نیز سبب دشواری ارتکاب جرم شده است.

همچنین با برچسب‌گذاری الکترونیکی روی کالاها می توان به مراقبت (نظارت) الکترونیکی^۱ از آنها پرداخت. این برچسب‌ها بیشتر روی لباس یا کالا دوخته یا با برچسب روی پاکت آن کاملاً چسبانده می شود. در خروجی فروشگاه، برچسب‌هایی که متصدیان فروش از روی لباس نکننده یا حساب نشده‌اند، زنگ خطر را به صدا درمی آورد. البته امروزه ردیاب‌ها^۲ قابل اعتمادترند. این سیستم‌ها در سطح گسترده‌تری مورد استفاده قرار می گیرند و به کارگیری آنها، میزان سرقت را کاهش می دهد. به طوری که در برخی موارد میزان سرقت را از ۷۵ درصد به ۳۵ درصد کاهش داده است (کلارک، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۲). استفاده از ابزارهای دیگر مانند گیره‌های کوچکی که از کالاها جدا نمی شوند، در عینک فروشی‌ها و جواهرفروشی‌ها نیز مفید است (همان: ۶۳-۶۴).

فناوری اطلاعات و ارتباطات با چند روش به مصون سازی آماج‌های جرم و مناطق پرخطر می پردازد:

۱. کنترل ورودی‌ها و ایجاد مانع برای ورود یا سخت کردن ورود به محل‌هایی با آماج بالقوه فراوان (مناطق آسیب پذیر) با کارت‌های ورودی و سیستم الکترونیکی باز کردن درها، کارت‌های مغناطیسی، کارت‌های هوشمند، استفاده از روش‌های زیست سنجی رایانه‌ای مبتنی بر سنجش

1-Electronic article surveillance

2-Detectors

علمی خواص فیزیکی انسان مانند اثر انگشت، مشخصه‌های صورت و

...

۲. سخت کردن و جلوگیری از دستیابی به آماج و جابه‌جایی آن مانند

استفاده از برچسب‌های الکترونیکی در فروشگاه‌ها و رمزگذاری برای بازکردن در خودروها.

۳. طولانی کردن فرایند ارتکاب جرم، مانند گذاشتن رمز برای ورود به

مناطق خاصی که رمزگشایی آن زمانبر است.

۳- ICT و کنترل موقعیت‌های دارای خطر جرم

سکوگان و مکس فیلد^۱ معتقدند که پیشگیری از جرم می‌تواند در دو دسته عمده تجزیه شود: راهبردهای اجتناب و مدیریت خطر^۲. آنان استدلال می‌کنند که اجتناب از وضعیت‌ها و موقعیت‌های خطرناک به کمک کاهش خطر جاری در موقعیت تهدید کننده، به طور بالقوه، خطر بزه‌دیدگی را کاهش می‌دهد. عملیات مدیریت خطر نیز به همین معناست، یعنی فردی که خود را در یک موقعیت یا وضعیت بالقوه خطرناک می‌یابد، بتواند با اقدامات احتیاطی، بزه‌دیدگی هدف مناسبی را کاهش دهد (اسکات^۳، ۲۰۰۳: ۲۰۵). پیشگیری وضعی از طریق مراقبت و نظارت بر مکان‌های جرم‌زا و کنترل ورودی‌ها یعنی جایی که احتمال ارتکاب جرم وجود دارد، به این امر می‌پردازد. از این طریق این پیام به بزهکاران بالقوه منتقل می‌شود که جرم شما مشکل، پرخطر و کم‌فایده (منفعت‌زدایی) شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷).

1-Skogan & Maxfield

2-Avoiding and Risk Management

3-Scott, 2003: 205

نظارت، یکی از روش‌های متداول پیشگیری از جرم است. نظارت و کنترل، نگهبانان بیشتر، روشنایی مناسب‌تر و سیستم‌های هشداردهنده از جمله راهبردهای کنترل جرم به حساب می‌آیند (کوسن، ۱۳۸۴: ۳۲۴). در حال حاضر، استفاده از دوربین‌های مدار بسته را می‌توان یکی از روش‌های نظارت در پیشگیری وضعی دانست که هدف از اعمال آنها کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا برای ارتکاب جرم است (قاسمی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹۹). در واقع، دوربین‌های مدار بسته در مواقع بسیار جایگزین نگهبانان و نظارت‌کنندگان انسانی می‌شوند و کار نظارت را بهبود می‌بخشند. علاوه بر آن در کشف و دستگیری مرتکبان نیز به خدمت گرفته می‌شوند.

از همین رو، در کشور کانادا دوربین‌های پلیس کاربردهای چند منظوره دارند، این دوربین‌ها برای ثبت تخلفات رانندگی، کنترل مناطق جرم‌خیز و ردیابی تصاویر متخلفان استفاده می‌شوند. در ژاپن نیز دوربین‌های مدار بسته با هدف ارتقای امنیت مردم به طور گسترده به کار گرفته شده‌اند. یکی از مزیت‌های جاده‌های ژاپن کم‌بودن تخلفات پرخطر در جاده‌هاست.^۱ کشور انگلستان نیز سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در به کارگیری دوربین‌های مدار بسته در بسیاری از مناطق جرم‌خیز و نیز مکان‌های عمومی شهرهای این کشور داشته، به طوری که برای نصب ۴ میلیون دوربین مدار بسته در این کشور هزینه چند میلیاردی صرف شده است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۸: ۷۴۵)

گفتنی است که بهترین نوع مراقبت و نظارت، ترکیب بهترین شرایط دید، مراقبت مستمر و امکان مداخله بهنگام است که می‌تواند بزهکاری را کاهش دهد. در

۱- برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

www.aminejameeh.ir/article/87/8/223.php

یکی از شهرهای انگلستان، یک پارکینگ کاملاً تحت مراقبت شبکه‌ای از دوربین‌های متحرک با زاویه دید گسترده بود. صفحه نمایشگر در هر لحظه کنترل می‌شد و تصویرها به منظور مداخله بهنگام به ایستگاه پلیس ارسال می‌شد. این امر سرقت اتومبیل را ۸۹ درصد کاهش داد. همین طور در یک پارکینگ چند طبقه، به نصب سیستم تلویزیون مدار بسته اکتفا نشد، بلکه میزان روشنایی نیز افزایش یافت و دیوارها با رنگ‌های روشنی رنگ‌آمیزی شدند. این امر سرقت اتومبیل را ۴۴ درصد و سرقت از داخل اتومبیل را ۶۹ درصد کاهش داد. بنابراین صرف استفاده از فناوری کافی نیست، بلکه باید از رؤیت‌پذیری فضاهای تحت پوشش دوربین‌های مراقبت نیز اطمینان حاصل کرد (کوسن، ۱۳۸۴: ۳۳۴). برای مثال در ایستگاه‌های راه‌آهنی که حفاظت‌گاه‌های آشکاری نصب شده بود، ۷۱ درصد پرسش شونده‌گان عنوان کردند که احساس امنیت شخصی‌شان به دلیل بهبود رؤیت‌پذیری^۱ افزوده شده است (کوزنز و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۳۰).

البته تنها دوربین‌های مدار بسته نیستند که به منظور کنترل و نظارت مکان‌های جرم‌خیز و آماج‌های بالقوه به کار گرفته می‌شوند. دستگاه ردیاب GPS^۲ نیز از ابزارهایی است که ICT به منظور مدیریت مناسب ریسک جرم در اختیار متخصصان امر قرار می‌دهد. مجهز کردن اتومبیل‌های شخصی و عمومی به این دستگاه ردیاب از دو جهت سودمند است و باعث پایین آمدن میزان جرایم می‌شود. از طرفی، وقتی اتومبیلی که دارای دستگاه‌های ردیاب GPS است سرقت شود، می‌توان مکان آن را شناسایی کرد و از این طریق موجب دستگیری سارقان

1-visibility

2-Gozens et . al

3-Global Positioning System

شد (در اینجا از اتومبیل به عنوان آماج جرم حمایت می‌شود) و از طرف دیگر، باعث می‌شود که پلیس بتواند در مواقع بروز حادثه با کنترل از طریق این دستگاه‌ها مطلع شود که کدام وسیله از سرعت مجاز تخلف کرده است (در اینجا اتومبیل به عنوان ابزاری جهت ارتکاب جرم یا تخلف ردیابی می‌شود) (نوروزی، ۱۳۸۷: ۲۰). علاوه بر این، می‌توان سرعت این وسایل را کنترل کرد و با اعلام هشدارهایی از وقوع حوادث جاده‌ای پیشگیری کرد. در نتیجه، دستگاه‌های GPS هم در تعقیب و ردیابی بزهکاران و هم در حفاظت از آماج‌های بالقوه به کار گرفته می‌شوند.

در کنار موارد ذکر شده می‌توان پیشرفت‌های فنی مخابراتی را نیز افزود. ابزارهای ناشی از این پیشرفت همراه خود امکاناتی را فراهم می‌کنند که موجب کاهش بعضی از جرایم همچون مزاحمت تلفنی و سرقت گوشی‌های تلفن همراه می‌شوند. با ردیابی‌های مخابراتی و ماهواره‌ای، امکان شناسایی محلی که مجرم از آنجا اقدام به برقراری ارتباط کرده، امکان‌پذیر است. سیستم شناسایی تماس گیرنده^۱ نیز موجب شده است تا میزان مزاحمت‌های تلفنی به میزان بسیار زیادی کاهش یابد. (همان).

این موارد موجب می‌شوند تا فرد مجرم احساس خطر کند و از حاشیه امنی که برای خود ایجاد کرده، مطمئن نباشد و در نتیجه ارتکاب جرم کاهش یابد. در تمام این موارد، هزینه ارتکاب جرم افزایش می‌یابد و همین امر می‌تواند مجرم را از ارتکاب جرم منصرف کند. خطرات مرتبط با جرم، مانند دیده شدن (رؤیت پذیری) و گزارش به پلیس. در تحقیقی مصادیق خطر این موارد بوده اند قابلیت

رؤیت پذیری از سوی همسایگان و عابران پیاده، میزان دستیابی به داخل خانه (سنجش درجه امنیت که ساکنان به کار گرفته اند حضور ساکنان در منزل و وسعت گشت‌های پلیس در ناحیه (رستمی تبریزی و صدفی‌پور، ۲۰۰۶: ۹۴۰) در واقع، با به کارگیری تدابیر وضعی مجرم را وادار به تفکر و اعمال مدیریت خطر می‌کنیم. در این موارد فرد مجرم با سنجش میزان سود حاصل از عمل ارتكابی و خطرات و ضررهای احتمالی تصمیم می‌گیرد که دست به ارتكاب جرم بزند یا خیر.

به نظر کلارک و کرنیش^۱ بر اساس تحلیل اقتصادی جرم، ارتكاب جرم بیشتر برای جلب منفعت آن، هم از نوع مادی است. در این صورت، مرتکب ضمن جلب منفعت سعی می‌کند از ضررهای ناشی از آن (خطر شناسایی و دستگیری، آبروریزی و مجازات) نیز احتراز کند. بنابراین، وقتی فردی قصد ارتكاب جرمی را دارد، دو عامل برای او تعیین کننده است: محاسبه و تضمین سود حاصل از ارتكاب جرم و احتراز از خطرات و پیامدهای زیان بار آن. ارتكاب جرم از این منظر یک انتخاب سنجیده و حساب شده و در نتیجه قابل پیش‌بینی خواهد بود که می‌توان با درک صحیح نحوه شکل‌گیری و اجرای آن وارد عمل شد و از فعلیت یافتن آن جلوگیری کرد (صفاری، ۱۳۸۰: ۳۰۴-۳۰۵).

خلاصه آنکه، فناوری اطلاعات و ارتباطات، کنترل مناطق جرم‌خیز و مدیریت ریسک جرم را با استفاده از دو روش زیر که به پیشگیری وضعی می‌انجامد، به اجرا در می‌آورند:

۱. با تقویت نظارت و رؤیت‌پذیری با نصب دوربین‌های مدار بسته و ...؛

۲. بالا برد هزینه ارتکاب جرم با افزایش احتمال شناسایی و دستگیری مرتکب از طریق به کارگیری دوربین‌های مداربسته، حسگرهای ورودی، دستگاه‌های هشدار دهنده، زنگ‌های خطر و ...؛

نتیجه‌گیری

یکی از کم هزینه‌ترین راه‌های مبارزه با بزهکاری، گرفتن فرصت ارتکاب جرم از مجرمان بالقوه و افزایش خطرپذیری و ضررهای ناشی از ارتکاب جرم است. معمولاً بزهکار پیش از ارتکاب جرم از، منافع و ضررهای احتمالی آن را بررسی می‌کند و تصمیم به ارتکاب یا عدم ارتکاب آن می‌گیرد. در شرایط معمولی برای ارتکاب یک عمل مجرمانه، سه عامل باید وجود داشته باشد: فرصت، توانایی و تمایل. برنامه‌پیشگیری از جرم باید هر سه عامل را مورد هدف قرار دهد. پیشگیری وضعی از جرم درواقع با کاهش فرصت، بر توانایی و در نهایت تمایل فرد مرتکب تأثیر می‌گذارد.

امروزه این پیشگیری به‌عنوان عمده‌ترین ابزار رویکرد جرم‌شناختی ریسک جرم، در خدمت مدیریت ریسک بزه قرار می‌گیرد و البته به منظور اجرای راهکارهای خود از فناوری‌های نوینی بهره می‌برد که فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) یکی از آنها به شمار می‌آید که تأثیر فراوانی بر روش‌ها و ابزارهای آن داشته است. این فناوری از راه‌های مختلف برای مدیریت ریسک جرم به کمک پیشگیری وضعی می‌آید و خطر ارتکاب جرم را مدیریت می‌کند. شناسایی موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری، مصون‌سازی آماج‌های جرم و مناطق پرخطر، تقویت نظارت و رؤیت‌پذیری و بالا بودن هزینه‌ارتکاب جرم از راه افزایش احتمال شناسایی و دستگیری مرتکب، برخی از این موارد است.

بدین ترتیب می‌توان گفت: فناوری اطلاعات و ارتباطات بر کارکرد پیشگیری وضعی به عنوان مهم‌ترین نوع پیشگیری در مدیریت ریسک جرم تأثیرگذار بوده است. در حال حاضر این پیشگیری با به کارگیری ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، خود را به روز می‌کند تا بتواند به عنوان قدیمی‌ترین نوع پیشگیری همچنان به حیات خود ادامه دهد. این نوع پیشگیری با وجود محدودیت‌ها و ضعف‌هایی که دارد، به طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نیز در برنامه توسعه پیشگیری مؤثر از جرم^۱، دولت‌ها و جامعه مدنی را ترغیب کرده است تا از برنامه‌های توسعه این نوع پیشگیری حمایت کنند.^۲

البته گفتنی است که تجهیزات امنیتی مانند هر ابزار دیگری تنها در صورتی ارزشمند است که به طور صحیح به کار گرفته شوند و با اندیشه، خرد و مداخله صحیح و مسئولانه انسان همراه باشند. چنانچه سیستم‌های مراقبتی بدون مطالعه قبلی نیازها و بررسی مکان مورد نظر نصب شوند، اگر نگرانی که ناظر صفحه نمایش قرار است دقیق و باهوش نباشد و چنانچه به دنبال ردیابی، مداخله انجام نگیرد، این سیستم‌ها سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده و پرهزینه‌ای خواهند بود.

1-Action to Promote Effective Crime Prevention 2002/ 13.

۲- ماده ۲۶ قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۱۳ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، با عنوان برنامه توسعه پیشگیری مؤثر از جرم، پیشنهاد کرده است که دولت‌ها و جامعه مدنی با روش‌های زیر از توسعه برنامه‌های پیشگیری وضعی از جرم حمایت کنند:

- اصلاح طراحی محیطی؛
- اعمال روش‌های مناسب نظارتی سازگار با جرایم افراد؛
- تشویق طراحی مقاوم‌تر کالاهای مصرفی در برابر جرم؛
- سخت‌تر کردن آماج جرم، بدون لطمه به کیفیت محیط یا محدود کردن حق دسترسی به فضاهای عمومی؛
- اجرای راهبردهای پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر - (www.un.org/en/ecosoc/docs/2002/resolution%202002-13.pdf)

همچنین، در بحث پیشگیری از جرم، توجه به اصل هزینه - کارآمدی ضروری است. بر این اساس، دولت‌ها و سیاست‌گذاران لازم است به این موضوع مهم توجه کنند که نباید همه تلاش‌های خود را در برنامه واحدی متمرکز کنند بلکه باید مجموعه‌ای متنوع از روش‌های پیشگیری جرم را برگزینند، زیرا استقرار نظم که تا اندازه‌ای به کاهش جرم بستگی دارد، بدون ایجاد تغییرات اساسی در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و از بین بردن شرایط جرم‌زا غیرممکن است.

در واقع، دستیابی عملی به پیشگیری از جرم از یک سو نیازمند کاهش هر چه بیشتر فرصت‌های مجرمانه از طریق اعمال اقدامات حمایتی برای بزه‌دیدگان احتمالی است و از سوی دیگر به بهبود شرایط فردی و اجتماعی وابسته است که ممکن است زمینه ساز ارتکاب جرایم باشند.

منابع فارسی

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
۲. ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۸). «رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن». آموزه‌های حقوقی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۲، تابستان، صص ۳۷-۵۲.
۳. پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۸). سیاست جنایی ریسک مدار. چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
۴. جعفریان، محمد حسن و شایسته زرین، امیر (۱۳۸۸). «کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در پیشگیری انتظامی از وقوع جرم (بررسی موردی از سرقت در شهريور ۱۳۸۵)». زیر نظر محمد فرجیهاو غلام‌رضا محمد نسل، در: پیشگیری انتظامی از جرم (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم)، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیر ناجا، صص ۹۳-۱۱۴.
۵. جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸). تسامح صفر: سیاست کیفری سختگیرانه در قبال جرایم خرد. چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
۶. جیسون، سوزان و ویلسون، پل آر (۱۳۸۷). طراحی محیطی جرم ستیز: پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی. ترجمه محسن کلانتری و ابوذر سلامی بیرامی، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
۷. چیزم، جان (۱۳۸۶). «تجزیه و تحلیل منفعت- هزینه و پیشگیری از جرم». ترجمه سیما صدر عاملی و مجید رضایی راد؛ فصلنامه مطالعات

- امنیت اجتماعی، شماره ۱ دوره جدید، زمستان و بهار، تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا، صص ۱۹۷-۲۱۲.
۸. داتن، ویلیام (۱۳۸۴). دگرگونی‌های اجتماعی در جامعه اطلاعاتی. ترجمه محمد توکل و ابراهیم کاظمی پور، چاپ نخستن، تهران: کمیسیون ملی یونسکو.
۹. رحمدل، منصور (۱۳۸۳). «آمار جنایی و کارکردهای آن». مجله حقوقی دادگستری، سال ۶۸، شماره ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان، صص ۱۰۳-۱۲۲.
۱۰. رضوی، محمد (۱۳۸۸). «پیشگیری انتظامی از جرایم سایبری». زیر نظر محمد فرجیها و غلامرضا محمد نسل، در: پیشگیری انتظامی از جرم (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم)، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیر ناجا، صص ۱۴۷-۱۷۹.
۱۱. صفاری، علی (۱۳۸۰). «مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم» مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۲۶۷-۳۱۹.
۱۲. صفاری، علی (۱۳۸۱). «انتقادات وارده بر پیشگیری وضعی از جرم». مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۱۹۳-۲۳۳.
۱۳. صفاری، علی (۱۳۸۸). «در گفت‌وگو با انجمن ایرانی جرم‌شناسی». در: خبرنامه انجمن ایرانی جرم‌شناسی، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۳-۸.
۱۴. قاسمی مقدم، حسن (۱۳۸۸). «رویکرد مدیریت خطر در پیشگیری از تکرار جرم». به کوشش گروهی از اساتید، در: پیشگیری از تکرار جرم و

- بزه‌دیدگی (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم)، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیر ناجا، صص ۱۸۷-۲۱۰.
۱۵. قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۸). «تحلیل فرایند طراحی برنامه‌های پیشگیری وضعی از جرم». به کوشش محمد فرجیها و عباس شیخ الاسلامی، در: چکیده مقاله‌های همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از جرم (قوه قضاییه، مشهد مقدس)، چاپ نخستن، تهران: بنیاد حقوقی میزان، صص ۶۶.
۱۶. کلارک، رونالد وی، (۱۳۸۸). پیشگیری از جرم (مطالعه موردی: سرقت از فروشگاه‌ها). برگردان: مهدی مقیمی و حمید جریانی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
۱۷. کلارک، رونالد وی. و جان اک (۱۳۸۸). جرم شناسی پیشگیری: ۶۰ رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم. برگردان: مهدی مقیمی و مهدیه تقی زاده، چاپ نخست، تهران: سازمان زرد.
۱۸. کوسن، موریس (۱۳۷۸). «امنیت خصوصی: ماهیت، چالش، آینده». برگردان: علی اوسط جاوید زاده، مجله امنیت، سال چهارم، شماره ۱۵ و ۱۶، مهر و آبان، صص ۳۹-۴۸.
۱۹. کوسن، موریس (۱۳۷۹). «نظارت ویدیویی؛ دلایل موفقیت و شکست». برگردان: شهرام ابراهیمی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان، صص ۳۲۳-۳۴۰.
۲۰. کینگ، گری (۱۳۸۳). «بازاندیشی در امنیت انسانی». برگردان: مرتضی بحرانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴.

۲۱. مارتی، می ری دلماس (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان، جلد نخست.
۲۲. ماری، فیلیپ (۱۳۸۳). «کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا». برگردان: حسن کاشفی اسماعیل زاده، مجله حقوقی دادگستری، سال ۶۸، ش. ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان، صص ۳۳۱-۳۴۶.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷). مباحثی در علوم جنایی (تقریرات دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی)، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست پنجم.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸). «کیفر شناسی نو- جرم شناسی نو درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار». در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ نخست، تهران: نشر میزان، صص ۷۱۷-۷۵۰.
۲۵. نوروژی، ق. جمید، (۱۳۸۷). «تکنولوژی، پیشگیری و کاهش جرایم». روزنامه رسالت، ۳ دی، ص ۲۰. در:
- www.magiran.com/nmptoc.asp?mgID=2829&number=6604.
۲۶. هابز، توماس (۱۳۸۱). لویاتان. برگردان: حسین بشیریه، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

- 1-Action to Promote Effective Crime Prevention, "2002/13, available at:
www.un.org/en/ecosoc/docs/2002/resolution%202002-13.pdf.
- 2- Albrecht, Hans-jorg & Kilching, Micheal(2002) . "Crime Risk Assessment, Legislation, and Prevention of Serous Crime- Comparative Perspectives", Eurpean Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice, Vol.10, No.1,pp.23-38.
- 3-Bridgema. Cresseda (1996). Crime Risk Management, Making it Works, Crime Detection and Prevention Series, Paper 70 , First Published, London: Home Offece Police Research Group.
- 4-Brunt, Paul, Mawby, Rob & Hambl, Zeo 2000). "Case Study Tourist Victimization and the Fear of Crime on Holiday", Toursm Management, No.21,pp.417-424.
- 5- Clark, R.V. (2005). Seven Miscomnceptions of Situational Crime Prevention, in: n.Tilly (ed.), Handbook of Crime Prevention and Community Safety, Devon: Willan Publishing.
- 6- Cozens, p.m.(2002) ."View Point Sutainable Urban Development and Crime Prwvention Environmentalism for the 21 Century" , Cities, U.K., Vol.19, No.2,pp.129-137.
- 7- Cozens, Paull, Neale, Richard, Whitaker, Jerney & Hillier, David (2003). " Managing Crime and the Fear of Crime at Railway Station- a Case study in South Weles (u.k.)", International Journal of Transport Management, No.1,pp.127-132.

- 8- Johnson, Shane d., Bernasco, Win, Bowers, Kate j., Elfers, Henk, Ratcliffe, Jerry, Rengert, Gorge & Townsley, Michael (2007). "Space-time Patterns of Risk: a Cross National Assessment of Residential Burglary Victimization", Journal Qunt Criminal, No.23,pp.201-219.
- 9- Kemshall, Hazel (2003). Undersstanding risk in Criminal Jusrice, Open University Press, England,.
- 10-"Learn How Identity Thieves Can Get to You?" , at:www.creditreport.com/faq.asp?
- 11-Leclerc, Benoit Proul x., Jean and eric Besauregard (2009). "Examining the Modus Operand of Sezual Offenders Against Children and its Practical Imolication", Aggressive and Violent Behavior, 14,pp.5-12, at: www.sceincedirect.com.
- 12-McLaughlin, Eugene and Muncie, John, (2001) the Sage Dictionary of Criminaligy, Sage Ppublictions.
- 13- Parnaby, Patrick f. (2006) "Crime Prevention Through Environmenta design: Descourses of Risk Social Control, and a Neo-Liberal Context" , Canadian Journl of Criminology and Criminal Justice , January.
- 14- Pease, ken (1999). "The Kirkholt Project: Prevention Burjlary on a British Public Housing Estate", Security Journal, Vol.2, No.2, pp.73-77.
- 15- Rostami Tabrizi, Lamya & Madanipour, Ali (2006). "Crime and the City: Domestic Burflary and the Built Enviromment in Tehran:, Habitat International , No.30,pp.932-944.
- 16- Scott, Hanna (2003). " Stranger Danger: Explanining Womens Fer of Crime" , Western Criminology Rivew, Vol.4,No.3,pp.203-214. Available at:www.wer.sonoma.edu.

- 1- www.un.org/en/ecosoc/docs/2002/resolution%202002-13.pdf.
- 2- www.aminejameeh.ir/article/87/8/223.php.
- 3- www.creditreport.com/faq.asp.